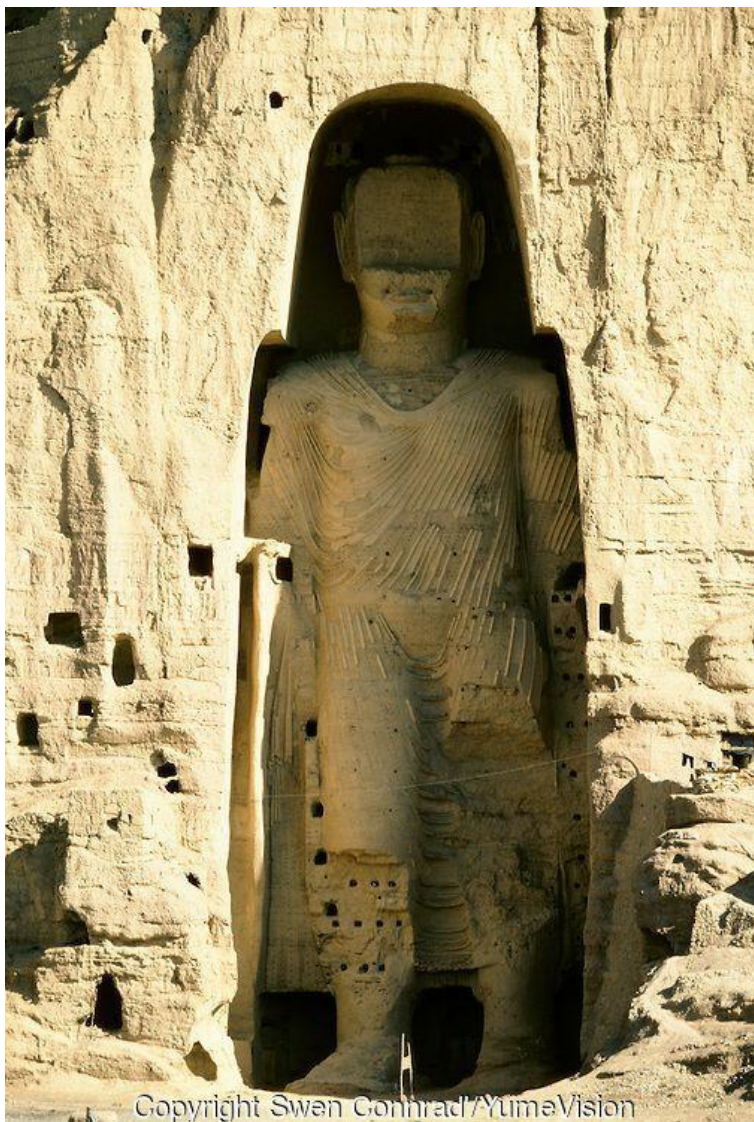


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- موضوع: بامیان، شهر صلصال و شمامه
- دانشجو: مریم عشقی
- رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی
- دانشکده الهیات و معارف شهید مطهری
- دانشگاه فردوسی مشهد



Copyright Swan Conrad/YumaVision

صلصال من بیان در آتش، میان دود ای سیکر همیشه بلند نبود و بود

شمامه ام، قاده به دستان انفجار بر باد رفتم ز فرسنگ انحرار

بخشی از سروده صلصال من

شاعر: زینت نور

بامیان، شهر صلصال و شهمامه

مریم عشقی

چکیده

بامیان یکی از استان‌های کشور افغانستان امروزی است که در گذشته جزئی از خراسان بزرگ محسوب می‌شده است. این سرزمین در میان دو رشته کوه هندوکش و بابا قرار دارد. تاریخ و جغرافیای این منطقه در هم تنیده شده‌اند. از جمله مطالبی که فراوان در منابع جغرافیایی و تاریخی جهان به چشم می‌خورد وجود آثار باستانی است که در دوره‌های مختلفی گردشگران بسیاری را به سوی خود جذب کرده است. مجسمه‌های ۳۵ و ۵۳ متری بودا که در کوه بامیان تراشیده شده بودند همواره مورد توجه قرار می‌گرفتند و از لحاظ تاریخ و ارتفاع بی‌مانند بودند. وجود حفره‌ها و غارهای کنده کاری شده به دست انسان و وجود نقاشی‌هایی در این نواحی حضور چندین سده‌ای انسان در این ناحیه را تایید می‌کند. در این مقاله برآنیم تا به معرفی ناحیه بامیان در کتب جغرافیایی مسلمانان و غیره بپردازیم.

کلیدواژه: بامیان، بودا، جغرافیای تاریخی

بامیان از جمله سرزمین‌هایی بوده که در گذشته‌های دور معبر کاروان‌های بسیاری بوده است. این ناحیه بر سر شاهراه هند که شرق را به غرب متصل می‌کرد قرار داشت. آنچه این شهر را از سایر شهرهای هم‌ولایتی خود جدا می‌سازد وجود آثار باستانی متفاوت از سایرین است. دو مجسمه بودا به نام‌های سرخ بت و خنگ بت (بت سفید) که در دیواره کوه بامیان در غاری به دست انسان تراشیده شده بود، همگان را به شگفتی وا می‌داشت اما نکته مهم درباره مجسمه‌ها این است که ما همواره از دو بت یا مجسمه یاد می‌کنیم در حالی که مجسمه دیگری نیز از بودا در این ناحیه وجود داشته است که به صورت خوابیده در قبری بوده و طول آن هزار قدم بوده است. دیگر آنکه مجسمه‌های بودا طی آنچه در تصاویر موجود است به این صورت تنها سنگ نبوده‌اند بلکه آنان را با پارچه‌ها و زیورآلاتی تزئین می‌کردند. در کوه بامیان علاوه بر این غارها، غارهای دیگری برای عزلت نشینی بوداییان وجود داشته است که ارتفاع آنان کمتر بوده است. این مقاله به دنبال آن است که به این پرسش پاسخ دهد: «چه چیزی سبب حضور بوداییان در این منطقه گردید و ارتزاق آنان در این منطقه کوهستانی از چه راهی بوده است؟»

کوه‌های مختلفی از جمله کوه بامیان متصل است.^{۱۰} در اثر دیگری نیز به چنین کوهی اشاره شده که دو طرف آن قوس برداشته و به شکل هلال به سمت نیشابور و سپس از بامیان و بدخشان می‌گذرد.^{۱۱} این کوه منبع آب چشمه‌ها و رودخانه‌هایی است که هر یک تا شهرهایی چون قندهار، سیستان، مرو، بلخ و خوارزم جریان دارد.^{۱۲} علاوه بر آن این کوه معدن جیوه^{۱۳}، مس و قلع نیز هست.^{۱۴} ابن حوقل ثروت و تجارت این ناحیه را به علت قرار گرفتن در دهانه هند برتر می‌داند.^{۱۵}

در رابطه با تقسیم‌بندی این ناحیه، مقدسی به ۷ شهر به نام‌های: بسغورفند، سقاوند، لخراب، بدخشان، بنجهیر، جاربايه، بروان اشاره می‌کند.^{۱۶}

تاریخچه

در رابطه با اینکه این شهر از چه زمانی و توسط چه کسی آباد و معمور گشته اطلاعات دقیقی در دسترس نیست اما با توجه به مجسمه‌های بودا در کوه بامیان می‌توان گمان برد که پیش از میلاد مسیح در این ناحیه افرادی می‌زیستند البته با توجه به قرار گرفتن بامیان در مسیر شاهراه هند (یا به اصطلاح عده‌ای جاده ابریشم) می‌توان حدس زد که عبور کاروانیان سبب حضور و ساکن شدن عده‌ای در این ناحیه شده است. با توجه به نوع

شهر بامیان از جمله شهرهایی است که در کتب جغرافیایی مسلمانان و غیر مسلمانان آمده است که هر یک به شیوه‌ای به بیان تقسیم‌بندی‌های این شهر پرداخته‌اند. از جمله قدیمی‌ترین منابعی که پیش از اسلام از این ناحیه نام برده است گردشگر چینی به نام هیوان تسنگ است که در سال ۶۳۲ م به سوی خراسان بزرگ سفر می‌کند و از «فان-ین-نا»^۱ که فان به معنای برهما-ین به معنای فراوان، ذکر می‌کند.^۲ ابن خردادبه در کتاب خود به بامیان به عنوان شهری در کوهستان اشاره می‌کند که سرزمینش وسیع است و دژهای مستحکمی دارد.^۳ در حدود العالم شهری است میان جوزجان^۴ و حدود خراسان که در این کتاب خلاف سایر کتب، شهری است که کشتزار و میوه‌های آن بسیار است.^۵ در معجم البلدان شهری در کوهستان میان بلخ و هرات و غرنه است.^۶ یعقوبی آن را جزئی از طخارستان می‌داند.^۷ احسن التقاسیم در رابطه با این شهر بیان می‌کند که شهری پهناور پرخیر است و قصبه آن کوچک است.^۸ زکریای قزوینی آن را ولایتی در میان خراسان و ولایت غور می‌داند.^۹

بامیان سرزمینی کوهستانی است. در جغرافیای حافظ ابرو اشاره شده است که رشته کوه چین به

1. Fan-Yen-na

۲- آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۲۴.

۳- المسالك والممالک، ابن خردادبه، ص ۶۲.

۴- از شهرهای بلخ خراسان است و میان مرورود و بلخ واقع است. لغتنامه دهخدا

۵- حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص ۱۲۲.

۶- معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۴۱۹.

۷- البلدان، یعقوبی، ص ۶۵.

۸- احسن التقاسیم، مقدسی، ج ۲، ص ۴۴۲.

۹- آثار البلاد و اخبار العباد، زکریای قزوینی، ص ۲۰۹.

۱۰- جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۱۹۴.

۱۱- عجائب الاقالیم السبعه الى نهابة العماره، سهراب، ص ۱۷۶.

۱۲- البلدان، یعقوبی، ص ۶۵.

۱۳- آثار البلاد و اخبار العباد، زکریای قزوینی، ص ۲۰۹، در این اثر از واژه «زبیق» به جای جیوه استفاده می‌کند.

۱۴- البلدان، یعقوبی، ص ۶۵.

۱۵- صورة الارض، ابن حوقل، ص ۱۸۳.

۱۶- احسن التقاسیم، مقدسی، ص ۷۱.

ریاضت و عزلت نشینی بوداییان سایر مناطقی چون غارهایی در چین و هند^{۱۷} که در کوهها به کنده کاری بوداها و غارهایی برای خود مشغول می‌شوند، احتمال می‌رود که کوهستانی بودن این منطقه، بوداییان را به این سو سوق داده است. مجسمه‌های بودای کنده کاری شده در کوه بامیان که در فاصله‌ای بیش از یک کیلومتر از یکدیگر قرار دارند، امنیت دینی بوداییان در این ناحیه نشان می‌دهد. گردشگران چینی که از این ناحیه پیش از اسلام عبور کرده‌اند، در رابطه با شوکت این دو مجسمه که اولی با طول ۳۵ متر و دیگری با طول ۵۳ متر کنده کاری شده است و با زیورآلات پوشیده شده‌اند یاد کرده‌اند^{۱۸} اما نکته قابل توجه آن است که همیشه بامیان ما را با دو مجسمه بزرگ حیرت زده می‌کرده است در حالی که این گردشگر از مجسمه سومی نیز یاد می‌کند که در قبری خوابانیده شده بوده است و طول آن هزار قدم بوده است^{۱۹}. از مجسمه‌های بودای بامیان در منابع جغرافیایی اسلام نیز یاد شده است که از این دو با نام‌های سرخ‌بت (بودای بزرگ) و خنگ‌بت (بودای کوچک) یاد شده است که همانندی در جهان ندارند^{۲۰}. عنصری شاعر بلخی نیز مثنوی درباره این دو سروده است. کنده کاری‌های این مجسمه سبک یونانی را در خود جای داده‌اند که نشانگر حضور یونانی و فرهنگ آنان در این دیار نیز هست^{۲۱}. غارهای تراشیده شده‌ی این مجسمه‌ها هر کدام ۳ متر از سر مجسمه فاصله دارند و در سقف غار بت

بزرگ نقاشی‌هایی از بودا نیز موجود است. کتیبه‌ای در رابطه با اینکه این مجسمه‌ها توسط چه کسی یا کسانی و در چه تاریخی تراشیده شده است موجود نیست اما با حضور گردشگر چینی که بدان اشاره شد و در میان سده‌ی سده ۷ میلادی به این ناحیه سفر کرده است نشان‌دهنده این است که مجسمه‌هایی با این عظمت در میان سده‌های نخستین میلادی ساخته شده است. برای این دو مجسمه جنسیت نیز تعیین کرده‌اند به طوری که بت بزرگتر را مرد به نام صلصال (یا سلسال) و بت کوچکتر را زن و همسر مرد به نام شهنامه (یا شمامه) می‌خوانند^{۲۲}. متاسفانه این دو مجسمه که سال‌های بسیاری نماد تمدن دیرینه این ناحیه بودند توسط طالبان در سال ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۱ م منفجر شده و از میان رفتند.

در یکی از معابد دره ککرک بامیان تصویری از پادشاهی کوشانی^{۲۳} به دست آمده که نشانگر این است که بامیان از جمله مناطقی بوده که توسط این خاندان اداره می‌شده است و ابن خردادبه تحت عنوان القاب پادشاهان خراسان و مشرق لقب پادشاهان این منطقه را شیر عنوان می‌کند^{۲۴} که شیر بامیان به معنای پادشاه بامیان می‌باشد. از دیگر خاندان‌های حکومتگر در این ناحیه خاندان آل اشنسب یا غوریان بودند که دو دسته بودند و دسته دوم پادشاهان طخارستان بودند و بامیان پایتخت آنان بود^{۲۵}. طی لشکرکشی‌هایی که

۱۷ - غارهای یونگنگ در چین و غارهای الوارا و آجاتا در هند

۱۸ - آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۲۶.

۱۹ - همان، ص ۲۸.

۲۰ - حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص ۱۲۲ - آثار العباد و اخبار العباد، زکریای قزوینی، ص ۲۰۹ - معجم البلدان، یاقوت حموی،

ص ۴۱۹ - مرآة البلدان، اعتماد السلطنه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲۱ - «نگاهی به جغرافیای تاریخی بامیان»، غلامرضا جاویدی، ص ۱۳.

۲۲ - بستان السیاحه، شیروانی، ص ۱۳۰.

۲۳ - آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۳۰.

۲۴ - المسالك والممالك، ابن خردادبه، ص ۳۴.

۲۵ - چهار مقاله، احمد بن عمر نظامی، ص ۹۱.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالب فوق که در کتب تاریخی و جغرافیایی درباره شهر بامیان ذکر گردید می‌توان نتیجه گرفت که این شهر از امنیت فکری و دینی مناسبی برخوردار بوده است که بوداییان نه تنها در این ناحیه زندگی می‌کردند بلکه در کوه بامیان بزرگترین سازه بودا در جهان را از لحاظ تاریخی به وجود آوردند. نکته دیگر آنکه قرار گرفتن بامیان در شاهراه هند این نکته را یادآوری می‌کند که این گذرگاه سالانه کاروان‌های بسیاری را به خود می‌دید است و مردم این ناحیه از طریق همین کاروان‌ها ارتزاق می‌کردند.

چنگیزخان مغول به سوی خراسان داشت با مقاومت مردم بامیان رو به رو شد. در نهایت نوه چنگیزخان، پسر جغتای، در این شهر کشته شد و چنگیزخان دستور قتل عام مردم شهر را در سال ۶۱۸ هـ ق صادر کرد. به طوریکه حتی به زنان باردار نیز رحم نکردند.^{۲۶} پس از آن به این ناحیه به مغولی ماووبالیغ یعنی ده بد^{۲۷} می‌گفتند.

در رابطه با زبان و گویش این ناحیه مقدسی در اثر خود به زبان بلخی اشاره می‌کند البته وی می‌افزاید که کمی گرفتگی در این زبان وجود دارد.^{۲۸} در حال حاضر به فارسی دری صحبت می‌کنند.

وجه تسمیه

گردشگر چینی هیوان تسنگ در سال ۶۳۲ م. از این شهر با عنوان «فان-ین-نا» یاد می‌کند که معنای فروان بودن برهما در این ناحیه است.^{۲۹} بامیان در ادبیات پهلوی بامیکان گفته شده است.^{۳۰} از آن بامیکان نیز یاد می‌شود و پادشاه آن ناحیه را شیر بامیکان یا بامیکان نیز گفته‌اند.^{۳۱} هوی تچا او^{۳۲} در سال ۷۲۵ م. این ناحیه را «فان-ین»^{۳۳} ذکر کرده که امکان دارد از اهالی بومی «بام ین» شنیده باشد.^{۳۴}

۳۱- ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، یوزف مارکوارت، ص ۱۸۳.

32- Houei-Tch ao

33- Fan- Yin

۳۴- آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۲۵.

۲۶- تاریخ جهانگشا، عطاملک جوینی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲۷- همان، ص ۲۸۲.

۲۸- احسن التقاسیم، مقدسی، ج ۲، ص ۴۹۰.

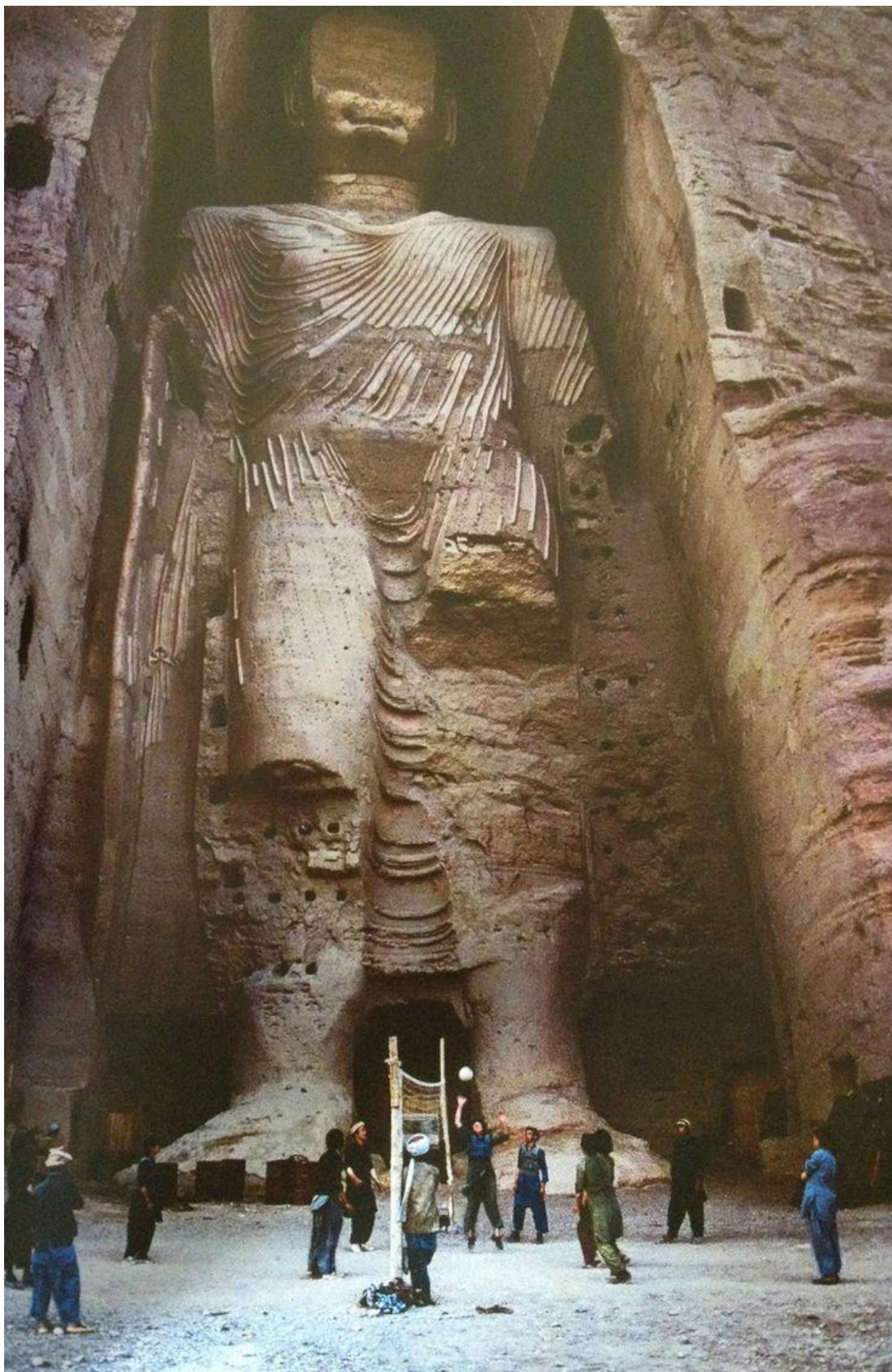
۲۹- آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۲۳.

۳۰- همان، ص ۲۲.

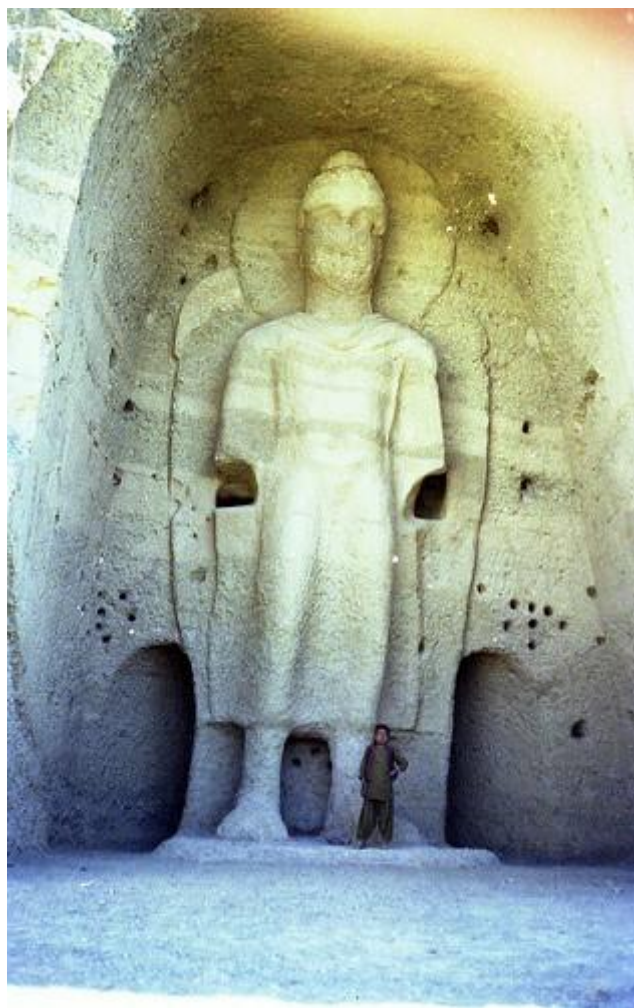


31 | تصویر یکی از آخرین شاهان کوشانی بامیان که از معبد دره ککرک پیدا شده و موسیو هاکن در تألیفات خود او را «پادشاه شکاری» خوانده است.

تصویر ۱: آثار عتیقه بامیان، موسیو گودار، ص ۳۱.



تصویر ۲: قامت انسان در برابر سرخ بت (صلصال)



تصویر ۳: قامت انسان در برابر خنگ بت (شهمامه)

- ۱- ابن خردادبه، عبیدالله، *المسالك والممالك*، مترجم: سعید خاکرند، بیروت: دار صادر، ۱۸۸۹م.
- ۲- ابوالقاسم محمد بن حوقل، *صورة الارض*، مترجم: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
- ۳- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *مرآة البلدان*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۴- حافظ ابرو، عبدالله، *جغرافیای حافظ ابرو*، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش.
- ۵- *حدودالعالم من المشرق الى المغرب*، قاهره: دارالثقافیه، ۱۴۲۳ ه ق.
- ۶- جوینی، عطاملک، *تاریخ جهانگشای*، مصحح: محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵ ش.
- ۷- سهراب، *عجائب الاقالیم الى نهاية العمارة*، مترجم: حسین قره چانلو، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- ۸- شیروانی، زین العابدین، *بستان السیاحه*، تهران: سنایی، بی تا.
- ۹- قزوینی، زکریا، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، مترجم: میرزاجهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۰- مارکوارت، یوزف، *ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، مترجم: مریم احمدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۱- مقدسی، شمس الدین، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، مترجم: کرمی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۲- موسیوگودار و دیگران، *آثار عتیقه بامیان در هزارستان*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۳- نظامی، احمد، *چهارمقاله*، مصحح: محمد قزوینی، تهران: اشراقی، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۴- یاقوت حموی، *معجم البلدان*، مترجم: علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۵- یعقوبی، ابن واضح، *البلدان*، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش.